



گنجینه‌های تاریخ گم‌شده

امروزه تنها بخشی از شاهکارهای دوره پیشامدرن که توسط هنرمندان خلق شده‌اند، در دسترس است و بسیاری از این آثار ناپدید شده یا به سرقت رفته‌اند گویی هرگز وجود نداشتند. به عبارتی، تعداد آثار در موزه‌ای که مجموعه‌ای از شاهکارهای گم شده است بسیار بیشتر از آثاری است که امروزه در همه موزه‌های جهان نگهداری می‌شود. امروز به معرفی ده مورد از این آثار گم‌شده خواهیم پرداخت.

شماره یک: طوفان در دریای جلیل

این نقاشی، عیسی نشان می‌دهد که طوفان را آرام میکند در حالی که ۱۲ شاگردش وحشت زده نشسته‌اند. عجیب اینکه یک مرد اضافی در قایق وجود دارد و بسیاری از مورخان هنر معتقدند که این خود رامبراند است. گنجاندن این عکس از خود تنها به ارزش کار می‌افزاید، چیزی که سارقان مطمئناً می‌دانستند.



ایزابلا استوات گاردنر

صبح معمولی در موزه بوستون بود. سپس از ناکجاآباد، دو مرد که خود را به عنوان پلیس نشان می‌دادند، حضور یافتند. آنها در داخل راه صحبت کردند و سپس، یک بار در داخل، محافظان امنیتی را بستند. در طی ساعت بعد، آنها با ۱۳ کار هنری کار خود را آغاز کردند، که همه آنها در اصل توسط مجموعه دار معروف ایزابلا استوات گاردنر خریداری شد.

اگر "طوفان در دریای جلیل" در جنایت هنری قرن در ۱۹۸۰ دزدیده نمی‌شد، تا ده میلیون دلار در حراجی به فروش می‌رفت!

اگر وارد موزه ایزابلا استوات گاردنر در بوستون، ماساچوست شوید، چندین قاب خالی را می‌بینید که به دیوار آویزان شده‌اند و یادگار بهار ۱۹۸۰ هستند. این زمانی بود که گروهی از سارقان با ۱۳ کار هنری کار خود را آغاز کردند. از میان آنها، تصویر رامبراند از عیسی که طوفان را در دریای جلیل آرام می‌کند، یکی از قابل توجه‌ترین‌ها است، اگر نگوییم با ارزش‌ترین. طبق محافظه کارانه‌ترین برآوردها، احتمالاً حداقل ۱۰ میلیون دلار در حراجی به فروش برسد.

Rembrandt van Rijn به راحتی یکی از مشهورترین استادان هلندی است. او به دلیل استفاده از نور و رنگ مشهور بود اما تا به حال تنها یک منظره دریا را نقاشی کرده است. آن منظره، طوفان در دریای جلیل، حادثه ثبت شده در انجیل مقدس مارک را به تصویر می‌کشد.

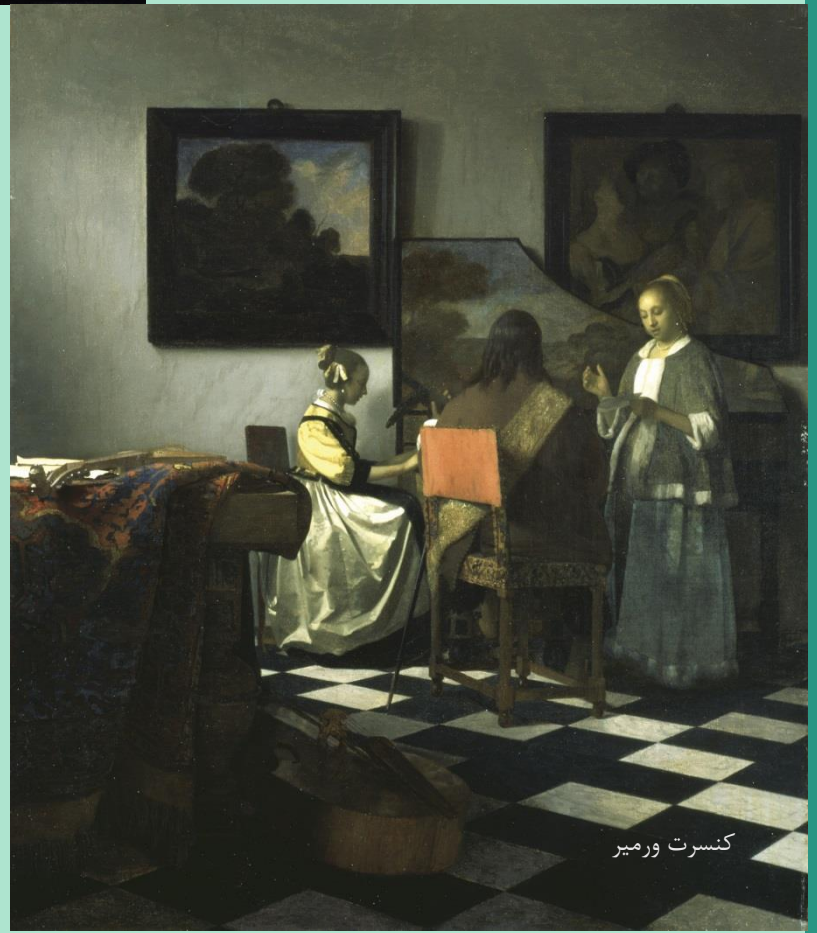
FBI خاطرنشان کرد: "این بزرگترین سرقت اموال خصوصی در تاریخ آمریکا بود. در واقع تخمین زده شده است که سارقان از آثار هنری به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار خلاص شده‌اند. این جنایت همچنان حل نشده باقی مانده و منظره تحسین برانگیز رامبراند همچنان مفقود است.

شماره دو: کنسرت ورمیر

یک مجموعه دار هنری آمریکایی "کنسرت" ورمیر را در حراجی با مبلغ ۵۰۰۰ دلار در زمان حراج پاریس در سال ۱۸۹۲ خریداری کرد. اگر همین نقاشی امروزه به حراج گذاشته شود بیش از ۲۰۰ میلیون دلار فروخته می‌شد. این تابلو که در سال ۱۹۹۰ به سرقت رفت تا به امروز باززش-ترین اثر گمشده در جهان است.

طوفان در دریای جلیل

استاد هلندی به احتمال زیاد این شاهکار گمشده خود را در سال ۱۶۶۴ نقاشی کرد که سه نازنده را نشان می‌دهد و همه اعضای بورژوازی هلند در حال نواختن سازهای خود هستند. همین نکته در کنار استفاده نور و رنگ و ابراز تحسین از نحوه آمیختن مضامین موسیقی، موقعیت اجتماعی و جنسیت در چنین صحنه به ظاهر پیش پا افتاده‌ای، جایگاه ورمیر را به عنوان یکی از بزرگترین نقاشان نسل خود تثبیت کرد.



کنسرت ورمیر

شاهکار تحسین شده ورمیر، در روز سنت پاتریک همراه با ۱۲ اثر دیگر به سرقت رفت. تصور می شود سارقان از ارزش چیزی که می دزدیدند بی خبر بودند. پلیس بوستون و FBI هنوز در تلاشند تا بزرگترین سارقین هنر قرن را پیدا کنند. در حالی که در این سالها چندین نفر مضمون شناسایی شده اند، اما هیچ گاه اتهامی مطرح نشده است.



بره مورد ستایش!



شماره سه: ستایش بره

نقاشی مشهور "ستایش بره" اثر یان ون آیک اهل فنلاند، به تنهایی رکورد بیشترین دفعات به سرقت رفتن یک اثر هنریست! این نقاشی رنگ و روغن طی شش قرن ۱۳ بار مستقیماً مورد سرقت بوده و شش بار به صورت کامل و یا بخشی از آن به سرقت رفته است.

تمام دوازده پنل این نقاشی در حال حاضر دست نخورده و در مکان اصلی در کلیسای سنت باوو بلژیک نگهداری می شود و تنها یک لت از آن اصل نیست. این پنل که تصویر "قضات صالح" است، در قسمت پایینی و سمت چپ تابلو جای گرفته بود و در سال ۱۹۳۴ به سرقت رفت و هیچ گاه پیدا نشد. این پنل سالها در بخشی از یک کلیسای کوچک در یکی از مناطق روستایی بلژیک آویزان بوده اما از محل کنونی نگهداری آن اطلاعی در دست نیست.

شماره چهار: قضات صالح

سارقانی که تصمیم گرفتند تکه‌ای از یک تابلوی هنری را به سرقت ببرند! اثر هنری قضات شایسته یک تابلوی با ارزش و قدیمی از مجموعه (ستایش بره) "Ghent Altarpiece" است که توسط دو برابر با نام هوبرت و جان ون ایک در قرن پانزدهم نقاشی شده است. این مجموعه نقاشی هم‌اکنون نیز در کلیسای سنت باوو در بلژیک قرار دارد. فیلیپ سوم، دوک بورگوندی احتمالاً یکی از سواران اسب‌های نمایش داده شده در این اثر هنری است. از بین این مجموعه اثر، تابلوی قضات شایسته در سال ۱۹۳۴ دزدیده شد و دیگر بعد از آن نیز هیچ اطلاعاتی از آن به دست نیامد.

با وجود گذشت زمان چندین ساله، هنوز پرونده این مورد در جریان بوده و تاکنون یک پرونده چند صفحه‌ای از آن تشکیل شده است.



شماره پنج: نقاشی گم شده رافائل

رافائل سانزیو، نقاش ایتالیایی و از چهره‌های هنری پیشتاز دوره کلاسیک دوره اوج رنسانس است و پرتی‌ای از مرد جوانی نقاشی کرد که هویت و تاریخ دقیق نقاشی در حاله‌ای از ابهام قرار دارند.

این نقاشی در شهر کراکف لهستان و در موزه سزاتوریسکی نگهداری می‌شد تا زمانی که با حمله آلمان به لهستان، در سال ۱۹۳۹ نقاشی به سرقت رفت و قرار بر این بود که در گالری هنری لینز اتریش قرار بگیرد اما این مرکز هنری هیچ‌گاه ساخته نشد!

آخرین بار این پرتی در کلبه هانس فرانک از مقامات نازی و مسئول اشغال لهستان را بر عهده داشت، دیده شد و مکان فعلی آن نامعلوم است.



شماره شش: شاعر فقیر

نقاشی شاعر فقیر اثر "کارل اشپیتسوغ" هنرمند آلمانی در سال ۱۹۷۶ توسط هنرمند دیگری از هلند با نام "یولای" از گالری ملی برلین دزدیده شد. یولای این نقاشی را روی دیوار خانواده مهاجر و فقیر از ترکیه نصب شد.

سپس با گالری تماس گرفت و آنها را از سرقت مطلع کرد و چون کل ماجرا یک پرفورمنس آرت بود، نقاشی دوباره به موزه برگردانده شد.



اما این پایان کار نبود و نقاشی بار دیگر در سال ۱۹۸۹ دزدیده شد و از آن تاریخ اثری از آن نیست. این نقاشی همچنین از آثار مورد علاقه آدولف هیتلر بود.

شماره هفت: نبرد آنگیاری



در سال ۱۵۰۵ لئوناردو داوینچی، یک اثر هنری جدید را به مناسبت سال ۱۴۴۰ ایتالیا خلق کرد. این نقاشی دیواری در سالن شهر فلورانس در پی نبرد آنگیاری به نمایش در آمده بود که در سال ۱۵۶۳ و در بازسازی‌ها توسط معماری به نام جورجیو واساری ناپدید شد!

در سال ۲۰۱۲ تیمی از محققان اعلام کردند که این اثر تخریب نشده و جورجیو واساری نقاشی مورد نظر خود را بر روی یک دیوار کاذب در جلوی خلق کرده است.

نتایج تحقیقات گروهی از محققین که برای نخستین بار در سال ۲۰۱۹ منتشر شد نشان می دهد نقاشی نبرد آنگیاری در زیر هیچ دیواری وجود ندارد چون از ابتدا توسط داوینچی خلق نشده است!

این افراد مدعی هستند به کار گرفتن تکنیکی که تشکیل لایه ای از رنگ روغن و بتونه بخشی از آن است، سبب شده است تا امکان خلق این تابلو وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر این نقاشی تا مرحله طراحی پیش رفت و هیچ وقت رنگ آمیزی آن روی دیوار انجام نشد.

علاوه بر این مورخان هنری در جریان میزگرد گالری اوفیتزی

شماره هشت: ماسک فون

میکل آنژ دی لوودوویکو هنرمند رنسانس ایتالیایی به دلیل هنر خود که حس ترس و هیبت را به قلب و ذهن توده های مردم وارد می کند بسیار مشهور است. مجسمه معروف دیوید و نقاشی قابل توجه در سقف نمازخانه سیستین تنها دو نمونه از آثار بیشماری است که میکل آنژ را به یکی از تحسین برانگیزترین هنرمندان دوره رنسانس ایتالیا تبدیل کرده است.

او فقط یک نوجوان بود که اولین مجسمه خود را ساخت و همانطور که بخت با او یار بود، لورنزو دو مدیچی حاکم فلورانس و حامی هنر درست کنار او راه می رفت. پس از دیدن مجسمه ، لورنزو می دانست که میکل آنژ شخص خاصی است و پسر جوان را زیر بال گرفت. لورنزو هزینه تحصیل میکل آنژ را برای حضور در مدرسه سن مارکو ، یک مدرسه هنری که لورنزو آن را تأسیس کرد و مدرسه ای که به شکل گیری بیشتر میکل آنژ به هنرمندی که امروز هم کارهای او را می بینیم ، کمک کرد. با این حال ، اولین مجسمه او را نمی بینیم، همان مجسمه ای که باعث شد لورنزو روی میکل آنژ سرمایه گذاری کند. اولین مجسمه وی تا حدودی ترسناک، اما درخشان Mask of a Faun است.

مدعی شدند بررسی دقیق رنگدانه های زیر دیواری واقع در ساختمان مورد بحث با رنگ مشکی به کار رفته در نقاشی مونالیزا مطابقت دارد. در همین میزگرد فروسینینی اعلام کرد این نوع رنگ سیاه در آن دوره به طور گسترده مورد استفاده بوده و اثبات وجود نقاشی نبرد آنگیاری با اثبات به این حقیقت غیرممکن است.

تصویر امروزی از شمایل نقاشی نبرد آنگیاری از طراحی عظیمی نشأت گرفته که توسط داوینچی خلق شده است و در آن مجموعه ای از مردان در حال نبرد سوار بر اسب و شمشیر های در هم قفل شده به تصویر کشیده شده است.

این سنگ مرمر در موزه بارجلو فلورانس نگه داری می شد اما در سال ۱۹۴۴ به سرقت رفت.

سربازان بخش ۳۰۵ آلمان نازی ضمن پیوستن به سربازان قسمت دهم این ارتش، به نوان سارقان ماسک معرفی شدند. این ماسک در ۲۲-۲۳ آگوست در کامیونی بارگیری شد و از آن تاریخ اطلاعی از آن در دست نیست.



شماره ده: سند کیو

شماره نه: منوره از معبد دوم

یکی از عجیب ترین موارد موجود در لیست گمشده های جهان، نوشته هایی هستند که به عنوان منبع کتب مقدس معرفی می شوند. منبع یا سند کیو یک منبع مکتوب فرضی است که برای انجیل متی و انجیل لوقا معرفی شده است و قدمت آن به قرن اول میلادی بر میگردد. مسئله موجودیت این سند به این علت مطرح می شود که برخی از متون در انجیل متی و لوقا عینا تکرار شده اند. با آنکه گفته می شود انجیل مرقس در واقع منبعی برای هر دو این انجیل ها بوده اما برخی از متون در این انجیل ها در انجیل مارک وجود ندارند و احتمالا از منبع دیگری نقل شده اند.

مشکل اصلی ایتجاست که حتی در صورت موجودیت سند کیو هیچ اثری از آن وجود ندارد و احتمالا این متن مقدس در طول سال ها نابود شده است.

بین سالهای ۶۶ الی ۷۴ میلادی، شورشیان یهود سعی بر آزادسازی اسرائیل از حکومت روم را داشتند و به همین سبب با ارتشی از رومیان به جنگ برخاستند، اما شورشیان دچار ضربه بحرانی شدند چراکه اورشلیم توسط یک ارتش رومی به رهبری تیتوس به تسخیر درآمد.

در پی این رویداد معبد دوم نابود شد و ارتش رومیا ناین گنجینه را به روم بردند. در میان این گنجینه های گمشده، منوره به شکل شمعدانی هفت شاخه نیز وجود داشت.

طاق تیتوس که در روم واقع شده، شاهد صحنه ای تاریخی از انتقال منوره به روم بوده است. گفته می شود در هنگام حمل این گنجینه تاریخی، منوره در حجم یک شیء بسیار بزرگ در اندازه سربازان دیده شده، اما سرنوشت این گنجینه پس از انتقال به روم نامعلوم است.

